

## مصاحبه رفیق خاوری بارادیوی مسکو

رفیق خاوری درباره نقش عظیم خلق های اتحاد شوروی در جنگ علیه فاشیسم از جمله گفت:

در این جنگ مردم شوروی، از بزرگ و کوچک و زن و مرد همانند یک مشت پولادین، برای دفاع از میهن سوسیالیستی خودشان بیجاخاستند. پیکار چهارساله ای که مردم اتحادشوروی در پیشاپیش خلقهای ضد فاشیست دنیا انجام دادند، سرنوشت این جنگ را تعیین کرد. اینک چهل سال است که فرش توپ های این جنگ خاموش شده ولی امپریالیسم جهانی و بخصوص امپریالیسم جنگ طلب آمریکا که آرزوی خام تاملین سلطه بر جهان را در سر می پروراند درحال تدارک جنگ تازه ای است. این روزها بازهم همان نواهای نامنجز "خطر کمونیسم" و "خطر شوروی" را

بقیه در صفحه ۲

بسنابست چهلمین سالگرد پیروزی بر فاشیسم میقلری و پایان جنگ دوم جهانی، جشن های بزرگ و باشکوهی در مسکو برگزار شد. در این جشن ها میلت های نمایندگان کشورهای سوسیالیستی، دولت های مترقی و انقلابی، احزاب کمونیست و کارگری سراسر جهان، جنبش های آزادیبخش ملی و نیروهای صلحدوست شرکت داشتند. هیئت های نمایندگی حزب توده ایران به رهبری رفیق علی خاوری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران نیز بنا به دعوت حزب کمونیست اتحاد شوروی در مراسم گوناگون این جشن های تاریخی حضور داشت.

در جریان برگزاری این جشن ها، خبرنگار رادیو مسکو با رفیق علی خاوری دیدار کرد و گفتگویی انجام داد که خلاصه آن از این قرار است:



دوره هفتم / سال اول / شماره ۵۰  
پنجشنبه ۲۶ اردیبهشت ۱۳۶۴  
بها ۲۰ ریال

## نهضت ملی خلق کرد و ضرورت اتحاد نیروهای خلق

واقعیت انزجار زحمتکشان کردستان از ج.ا. و پیکارشان علیه آن، چنان عیان و نیرومند است که حتی دست اندرکاران رژیم نیز هلیرفم تلاش برای کتمان حقایق قادر به پرده پوشی کامل آن نیستند. مسئول ستاد هیئت های هفت نفره در ارومیه به عدم اعتقاد و اعتماد کشاورزان کردستان به حاکمیت جمهوری اسلامی و شکست رژیم در جلب و جذب آنان اعتراف می کند: "ما نتوانسته ایم بین زارعین کردستان برویم، چرا باید طوری باشد که زارعین برای حل مسائل خودشان پیش ما نیایند". در حالیکه سردمداران رژیم ریاکارانه ادعا می کنند که مردم کردستان به حاکمیت جمهوری اسلامی گردن نهاده اند. وزیر کشور در بهمن ماه ۶۳ به این واقعیت اعتراف کرد که در کردستان "تحریکاتی صورت گرفته و مردم جلو فرمانداری و بخشداری آمدند و شیشه ها را شکستند".

با در نظر گرفتن این واقعیت که حاکمیت جمهوری اسلامی به دلیل سیاست ارتجاعی مبتنی

بقیه در صفحه ۶

جمهوری اسلامی با نهایت قساوت، سرکوب نظامی خلق ستمدیده کرد را ادامه می دهد. اعمال قهر علیه خلقی که یگانه "چرمش" پیکار در راه رهایی ملی است موجب مرج نیرومندی از خشم و اعتراض مردم کردستان علیه رژیم شده است.

تمام اشکال سیاست ج.ا. در کردستان، از آنجمله تخلیه اجباری روستاهای نوار مرزی از ساکنین آن، اتخاذ سیاست تمرکز کردها از طریق واداشتن روستائیان به مهاجرت به شهرها به منظور تسهیل اعمال حاکمیت بر آنان، اجرای طرح ارتجاعی "هجرت دانش آموزی" و ارسال دانش آموزان فیربومی به مدارس کردستان به عنوان چشم و گوشهای رژیم و ابزار ایدئولوژیک آن، بند و بست با قوای متجاوز نظامی ترکیه - عضو پیمان ناتو - در سرکوب رزمندگان کرد و انواع فشارها و تظییقات دیگر مؤید این واقعیت هستند که هیئت حاکمه ایران فاقد کوچک ترین پایگاه مردمی در کردستان است و ناگزیر برای پیشبرد اهداف ارتجاعی خود به طرق یادشده متوسل می شود.

## بازهم درباره حد اقل دستمزد روزانه کارگران

دستمزد موجب افزایش تورم میشود، اکنون رژیم ج.ا. تحت فشار و مبارزات گسترده سالهای اخیر و بویژه سال ۶۳، به افزایش دستمزد تن داده است. اما این تصمیم شورای عالی کار با هدفهای کارگستیزانه و برای خنثی کردن روند اوج گیرنده مبارزات کارگران اتخاذ شده است. زیرا علاوه بر آنکه خواست بحق کارگران یعنی افزایش واقعی حد اقل دستمزد متناسب با رشد واقعی نرخ تورم، نادیده گرفته شده است. با تعیین دو نرخ برای حد اقل دستمزد، محتوای قانونی تعیین حد اقل دستمزد را نیز تهی کرده است.

حد اقل دستمزد روزانه کارگران باید قانونا مخارج غذا، پوشاک، مسکن، بهداشت، تحصیل یک خانواده کارگر شامل یک زن و شوهر و دو

بقیه در صفحه ۷

کمال گنجهای قائم مقام وزارت کار و امور اجتماعی، تصمیمات جدید شورای عالی کار، در مورد میزان افزایش حد اقل دستمزد روزانه کارگران را اعلام کرد. براساس این تصمیم حد اقل دستمزد روزانه کارگران از ۶۲۵ ریال به ۷۲۰ ریال، یعنی روزانه ۹۵ ریال افزایش می یابد. وی ضمن تکیه بر نرخ رسمی تورم اعلام شده از سوی بانک مرکزی یعنی ۱۲/۸ درصد اعلام کرد که برای ایجاد تعادل بین هزینه های روزمره و دریافتی کارگران متاقل، شورای عالی کار تصمیم گرفته است، حد اقل دریافتی ماهانه کارگران متاقل را با احتساب سایر مزایای جنبی به مرز ۳۳۰۰ تومان برساند (صدای جمهوری اسلامی ۱۳/۱/۶۳).

پس از ۵ سال تقبیث حد اقل دستمزد با تکیه بر این استدلال سرمایه داران که گویا افزایش

## ضرورت تبلیغ و روشنگری در میان توده ها، برای سرنگونی رژیم

در بیانیه مشترک خصلت انقلاب بهمن ۵۷ بدرستی تعیین شده است. دو عامل در تعیین خصلت انقلاب موثر است: نیروهای محرکه و رهبری سیاسی آن. هدف از بررسی اجالی خصلت انقلاب بهمن ۵۷ در بیانیه مشترک بهره گیری از تجربیات گذشته برای آینده است. در بیانیه مشترک در این باره تصریح میشود که تحلیل رویدادهای کشور هم در مرحله اعتلاء نهضت انقلابی و هم پس از پیروزی انقلاب و نیز رویدادهای کنونی کشور و مبارزه حادی که در سطح جامعه میان حامیان احیای سرمایه داری وابسته و نظام اتصالی در جریان است. " نشان می دهد که دو مسئله مهم در مقابل انقلاب قرار داشت: حاکمیت و مالکیت. و این از ویژگی های هر انقلاب در دوران ما است. در صورت حل مسئله حاکمیت به سود نیروهای ضد امپریالیستی و خلقی، برخورد با مسئله مالکیت نیز دارای سرشت و ماهیت ضدکلان سرمایه داری و بزرگ مالکی می شد. فقط بدین ترتیب حاکمیت دمکراتیک خلق به معنی استقرار رهبری سیاسی نیروهای اصیل انقلابی، که مهم ترین شرط تعیین خصلت انقلاب است، می توانست تحقق یابد. انقلاب در سنت تحولات ژرف پیش رود و در روند تکامل خود مسیر آینده پیشرفت اجتماعی - اقتصادی را ببیناید".

بقیه در صفحه ۲

## بمب گذاری را محکوم میکنیم

در صفحه ۲

## حجتیه چیست و حجتیه گرایان

کیانند؟

در صفحه ۴

## همبستگی با زحمتکشان ایران

در صفحه ۲

## پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!

## مصاحبه رفیق خاوری بارادبوی مسکو

بلکه از صفحه ۱  
می‌شوم. تله‌فاتی از این دست همیشه برای هموار کردن راه جنگ موره استفاده امپریالیسم و ارتجاع قرار می‌گرفته است.  
امروز مردم سراسر جهان باید سخت هشیار باشند تا این بازی شوم و این توطئه خطرناک برای سلامت و آینده بشریت را خنثی کنند و برای حفظ زندگی، حفظ تمدن و فرهنگ در روی زمین مبارزه نمایند.

مردم شوروی ۲۴۱۸ روز در کپریک پیکار مرگ و زندگی بودند. هزاران شهر و دهها روستای اتحاد شوروی ویران گردید. قسمت اعظم بخش اروپایی اتحاد شوروی به آتش و خون کشیده شد. ولی اراده مستحکم مردم شوروی که حزب کبیر لنین پیشاپیش آنها رهبری دفاع از کشور را بعهده داشت، نقش قاطع و مؤثر خود را در جنگ ایفا کرد و فاشیسم را در کتاف خودش در برلین به خاک سپرد.

بنظر شما اوضاع کنونی بین المللی چگونه است؟

امروزه امپریالیسم سعی دارد با برنامه های تجاوزگرانه و نظامی گرانه خود مانند جنگ هسته‌ای، جنگهای ستارگان و نظایران، بشریت را به فاجعه جدیدی بکشاند. برای مقابله با این نقشه ما هوشیاری بزرگی لازم است. پیشنهادهای اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی برای جلوگیری از جنگ، پیشنهادهایی است که می‌تواند آینده صلح آمیز بشریت را تأمین کند. این پیشنهادها، پیشنهادهایی است کاملاً مشخص که می‌تواند صلح، همزیستی مسالمت آمیز و روابط حسنه میان ملت‌ها را تأمین کند. ما تمام کمال از این پیشنهادها پشتیبانی می‌کنیم.

رفیق خاوری در پاسخ به پرسش دیگری گفت:

مردم ایران در جنگ جهانی دوم در حدود امکان و توانایی خود در مبارزه علیه فاشیسم شرکت کردند. مردم زحمتکش ایران علاقمند بودند که فاشیسم هر چه زودتر ریشه کن شود. زیرا خطر آنرا بخوبی احساس می‌کردند. مردم ایران با خلاقیت و زحمتکشان اتحاد شوروی و بادیگر خلقهای ضد فاشیست همبستگی بزرگی داشتند.

رفیق خاوری، مراسم چهلین سال پیروزی در مسکو چه تاثیری در شما کرده است؟

چشن های چهلین سالگرد پیروزی که در این روزها مردم اتحاد شوروی آنها را برگزار می‌کنند بخوبی بیانگر نقش عظیم و قاطعی است که مردم شوروی در آن جنگ ایفا کردند. شرکت نمایندگان بسیاری از کشورهای، احزاب و سازمانهای گوناگون مترقی در جهان، احزاب کمونیست، احزاب سوسیالیست، سوسیال دمکرات، کارگری و دیگر سازمانهای مترقی در این جشن نشان دهنده آن قدر و اعتبار و اهمیتی است که مردم مترقی جهان برای نقش اتحاد شوروی در سرکوب فاشیسم و نجات خلقهای اروپا و جهان قائلند.

## ضرورت تبلیغ و روشنگری در میان توده‌ها، برای سرنگونی رژیم

بلکه از صفحه ۱  
اکتون پس از گذشت شش سال از انقلاب که رهبری سیاسی آن به علل گونه گون بدست روحانیون افتاد، صحت این ارزیابی بار دیگر به اثبات می‌رسد.

بعد از پیروزی انقلاب، مبارزه طبقاتی در جامعه ما وارد مرحله نوینی شد. دگرگونی های کیهنی در ترکیب نیروهای محرکه انقلاب بوجود آمد. روحانیون حاکم که توانسته بودند رهبری سیاسی را قبضه کنند، به علت ماهیت طبقاتی خود، در جرگه ضد انقلاب قرار گرفتند. عدم مرفلیت انقلاب بهمین در ارتباط ناکستنی با مواضع عمیقاً ارتجاعی حاکمیت کنونی است. این مهمترین تجربه گذشته است که باید در نظر گرفت.

مسئله مهم دیگری که در ارتباط با انقلاب بهمین، در استفاده از تجربیات گذشته برای مبارزات حال و آینده مطرح است و باید همیشه آن را در مد نظر داشت، تحول ناکهانی و سریع در زندگی توده های مردم است. لنین می‌گفت، هر انقلابی به معنی یک تحول ناکهانی و شدید در زندگی مردم است. اگر موجبات چنین تحولی فراهم نشده باشد وقوع انقلاب حقیقتی غیر ممکن است. به گفته لنین: "همان گونه که هر تحولی در زندگی یک فرد، بسی چیزها به وی می‌آموزد و آادارش می‌سازد خیلی چیزها ببینند و به چیزهای زیادی بی‌بیرند، به همان گونه هم انقلاب در مدت کوتاهی پر معناترین و گرانبها ترین درسها را به تمام مردم می‌دهد.

در دوران انقلاب میلیونها و دهها میلیون تن از مردم در هرقلته بیش از یکسال زندگی عادی و خواب آلود چیز می‌آموزند. زیرا هنگامی که تحول ناکهانی و شدید در زندگی یک ملت روی می‌دهد، با وضوح خاصی معلوم می‌گردد که هر یک از طبقات این ملت چه هدفی را تعقیب می‌کند، چه نیرویی دارد و با چه وسایلی عمل می‌نماید."

هدف توده های کارگر و دهقان و دیگر زحمتکشان در جریان اعتلاء نهضت انقلابی در سال ۱۲۵۷ چه بود چه انتقاری داشتند؟ آنها در مجموع خود خواهان آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی بودند. کارگران و دیگر زحمتکشان به مقابله نیروی عمده محرکه انقلاب خواهان تحدید حیطه عملکرد سرمایه خصوصی بودند. ولی اکتون چه می‌بینیم؟

بجای آزادی، استبداد مذهبی قرون وسطایی در کشور حکمفرما است. ایران به زندان میلیونها ایرانی مبدل شده است. زندانها انباشته از مبارزان راه رهایی توده های محروم است. سرکوب نیروهای انقلابی و اعدام و قتل میهن پرستان زیر شکنجه به سیاست مستمر رژیم تبدیل شده است. آزادی احزاب و سازمانهای سیاسی و سندیکاهای کارگری لگد مال شده است. اعتصابهای کارگری وحشیانه سرکوب می‌شوند، زمین های تقسیم شده میان دهقانان را پس می‌

گیرند و روستائیان معترض را روانه سپاهمال ها می‌کنند. تهمت و افترا به دگراندیشان به سطح سیاست دولتی ارتقا یافته است. استقلال اقتصادی کشور بیش پای انحصارهای امپریالیستی قربانی میشود. بجای استقرار عدالت اجتماعی، فقر و محرومیت بر جامعه حکمفرماست.

با در نظر گرفتن این واقعیت است که در بیانیه مشترک گفته میشود: "مسئله مهمی که در برابر جنبش انقلابی میهن ما قرار گرفته، عبارت است از تأمین آزادیهای دمکراتیک و استقرار یک نظام سیاسی - اقتصادی که بتواند در ست زدودن مظاهر نواستعماری و ستم اجتماعی و ملی پیش برود."

در شرایط کنونی دستهایی به این هدف از طریق سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی، یعنی پیروزی بر صاحبان واقعی قدرت امکان پذیر است. و این نیز فقط و فقط از عهده توده های انقلابی مردم بر می‌آید. مردم قبل از مه باید از این حقیقت آگاه باشند که قدرت دولتی در جهت منافع چه طبقات و قشرهایی عمل می‌کند. بر اساس واقعیت های موجود، در بیانیه مشترک خاطر نشان می‌شود که: "نمایندگان کلان سرمایه داران بازار و بزرگ مالکان نش و وزن عمده را در تعیین سیاست داخلی و خارجی بعهده دارند."

این قدرت سیاسی را باید سرنگون کرد باید تبلیغات و روشنگری در میان توده های محروم را برپایه ای قرارداد که کارگران (همه آنها، نه فقط لایه های معینی) بدانند، تا زمانی که قدرت از روحانیون حاکم سلب نشده است، هیچ یک از مسائل حیاتی آنها قابل حل نخواهد بود. باید برای دهقانان روشن شود، تا زمانی که رژیم جمهوری اسلامی وجود دارد، امید آنها برای دریافت زمین بکلی باطل است. باید همه بدانند که وظیفه اساسی در این مرحله، مبارزه با مجرمه رژیم "ولایت فقیه" است که در تضاد آشکار با رشد نیروهای مولد قرار دارد. چنانکه در بیانیه مشترک تصریح گردیده، قدرت "باید از هیئت حاکمه کنونی بدست طبقات و اقشار ملی و دمکراتیک، یعنی کارگران، دهقانان، خرده بورژوازی شهری، روشنفکران میهن پرست و مترقی ولایه هایی از بورژوازی متوسط و کوچک انتقال یابد."

در این که، در شرایط حاضر حکمروایی رژیم ترور و اختناق، اعتصابات کارگری، ایستادگی روستائیان در مقابل ستم بزرگ مالکی، اعتراض ها و تصادمات با ارگانهای سرکوبگر و تظاهرات خیابانی سیاست رژیم ضد خلقی را فاش می‌سازد، تردیدی نیست. ولی این نیز مسلم است که مبارزه قطعی فقط در صورت اعتلاء مجدد و همه جانبه روحیه انقلابی در میان وسیع ترین قشرهای مردم امکان پذیر است. ما معتقدیم که افشاء مستمر سیاست ضد خلقی رژیم و نیز تبلیغ گسترده پیرامون سرنگونی آن چنین امکانی را در جامعه ما فراهم خواهد ساخت. بهمین سبب تبلیغ شعارها و برنامه مندرج در بیانیه مشترک، و وظیفه همه اعضا و هواداران حزب است. باید همه امکانات خود را در این راه به کار گرفت.

## گرامی باد خاطره الهام بخش رفیق فریدون ابراهیمی فرزند خلق آذربایجان



در سپیده دم روز اول خرداد ۱۳۲۸ فریدون ابراهیمی، فرزند برومند خلق آذربایجان، در خیابان ستارخان تبریز، با گامهای استوار بسوی چوبه دار رفت. وقتی به چوبه اعدام رسید، نگاهی آکنده از نفرت به دژ خیمان افکند و به آنها فرمان داد:

"طناب را به گردنم بباندا زید..."

رفیق فریدون ابراهیمی، عضو کمیته مرکزی فرقه دمکرات آذربایجان، نماینده مجلس ملی آذربایجان و دادستان کل آذربایجان در دوران حکومت ملی آذربایجان بود. در ۲۱ آذرماه ۱۳۲۵، هنگامی که شاه به فرمان اربابان خود به آذربایجان آزاد، انقلابی و صلحدست یورش برد، رفیق ابراهیمی همراه با شاری از رفقای خود، پس از ۲۴ ساعت نبرد مسلحانه، دستگیر شد. رفیق ابراهیمی مدت شش ماه تحت دشوارترین شرایط زندانی بود. اوتام سختی ها را به جان می خرید و با افتخار می گفت:

"من بهترین سال های عمرم را در راه آزادی و سعادت زحمتکشان آذربایجان و سراسر ایران صرف نموده ام. در این مدت تلاش کرده ام این وظیفه خود را شرافتمندانه انجام دهم. من در میان شعله های مبارزات خلق تربیت شده ام. از این رو، خود را در خدمت خلق می دانم و به راه مبارزه مقدسی که در پیش گرفته ام افتخار می کنم. در این مراحل آخر مبارزه نیز اراده و جسارت خود را حفظ خواهم کرد."

رفیق فریدون ابراهیمی در سحرگاه اعدام با

سرو روی آراسته و آرامش پر متانت و سزاینده یک انقلابی بزرگ بیای چوبه دار رفت. اودر برابر تعجب برهی از رفقا گفت:

"ما تمام زندگی خود را با پایکی و شرافت گذرانده ایم، چرا باید زیر چوبه دار با حالتی پریشان ظاهر شویم؟"

روز اعدام رفیق ابراهیمی، به روز سوگواری ملی خلق آذربایجان تبدیل شد. جوانان مبارز در تبریز دست به تظاهرات و اعتراض زدند و کمیته های انتقام تشکیل دادند.

## بمب گذاری را محکوم میکنیم

در نتیجه بمب گذاری عوامل ناشناس در خیابان ناصر خسرو، بنا به آمار رسمی، ۱۵ نفر از هموطنان ما کشته و هدهد زیادی زخمی شدند. همچنین خسارات مادی فراوانی به بار آمد. این دومین بار است که در این مرکز پر جمعیت تهران، که روزانه دهها هزار نفر در آن در حال عبور و مرورند، چنین حادثه دهشتناکی اتفاق می افتد. همین چندپیش نیز در حوالی میدان شوش بمبی منفجر شد و خسارات جانی و مالی فراوان به بار آورد.

در شرایطی که ناراضی مردم به اوج رسیده و زحمتکشان کشور برای تحقق آزادی، استقلال، عدالت اجتماعی و صلح به مبارزه پیگیر با رژیم ترور و اختناق حاکم بر کشور برخاسته اند، اینک دستهای پنهان و مرموز، برای ایجاد انحراف در افکار عمومی و مبارزه مردم به کار افتاده و چنین حوادث شومی می آفرینند.

مردم ایران بدرستی می گویند، همان کسانی که چاقو کشان و چماق کشان حرفه ای را در خیابانها براه انداخته و امنیت اجتماعی را بطور کلی در جامعه از بین برده اند، می توانند در آفرینش چنین حوادث فجیعی دست داشته باشند.

حزب توده ایران، چنین جنایاتی را محکوم می کند و ضمن اظهار ممدردی با خانواده هایی که خسارت جانی و مالی دیده اند، از همه هموطنان آگاه و مبارز می طلبد تا فریب جوسازی و شائناژ حاکمیت را نخورند و برای خنثی ساختن نقشه های شوم دشمن همچنان یکدل و یک جهت به مبارزه قهرمانانه خود برای سرنگونی رژیم ضد خلقی ادامه دهند.

## همبستگی با زحمتکشان ایران

، علیه هر برسیست شناخته شدن سازمانهای صنفی کارگران در قانون اساسی، دستگیر و شکنجه می شوند و یا مورد پیگرد قرار می گیرند. سطح زندگی کارگران پیوسته بدتر می شود و بیکاری بسرعت نگران کننده ای افزایش می یابد.

قانون کار در راستای ارتجایی تر تغییر یافته است. حقوقی که کارگران طی ده سال مبارزه کسب کرده اند، با تصویب نامه های خودسرانه، نقض می شود. شرکت هایی که ملی شده بود از نو به بخش خصوصی بازگردانده می شوند.

اصلاحات ارضی لغو گردیده و اراضی مصادره شده را از نوبه بزرگ مالکان بازمی گردانند. اکنون بیش از هر زمان دیگری لازم است تا از همه راههای ممکن مبارزه طبقاتی کارگران ایران برای صلح، آزادی و حقوق سندیکایی مورد حمایت قرار گیرد. همبستگی بین المللی کارگران و سندیکاهایشان برای تقویت مبارزه کارگران در ایران علیه کارفرمایان بزرگ و نبردهای ارتجایی ضروری است.

بولتن خبری فدراسیون سندیکایی جهانی در شماره ۱۳(۲۹) مارس ۱۹۸۵) زیر عنوان "سرکوب آزادیهای دمکراتیک سندیکایی در ایران شدت می گیرد" چنین می نویسد:

در ایران کارگران در شرایط دشواری مبارزه می کنند. صدها هزار کارگر در عرصه های جنگ کشته شده اند. بیش از چهار سال است که جنگ خونین ایران و عراق ادامه دارد و بر زندگی میلیونها کارگر که در شرایط غیرانسانی بسر می برند سختی سنگینی می کند. در ایران سرکوب قرون وسطایی حاکم است. آزادی ها لگدمال میشود. دهها هزار دمکرات زندانی و شکنجه شده اند. نیروهای مترقی از هر گونه حق بیانی محرومند. حقوق بشر نقض میشود.

سندیکاهای کارگری ممنوع شده و فعالین آنها

پایان پذیرد و صلح در منطقه خلیج فارس تامین گردد.

سازمان دمکراتیک بین المللی دنان مارس ۱۹۸۵

## اعلامیه

فدراسیون دمکراتیک بین المللی زنان، بخاطر جنگ ناپود کننده میان عراق و ایران که چندی پیش بصورت بهاران مناطق پر جمعیت گسترش یافت و قربانیان بسیاری از میان اهالی غیر نظامی و از جمله زنان و کودکان گرفت عمیقاً نگران است. فدراسیون دمکراتیک بین المللی زنان، بنام میلیونها زن در سراسر جهان بار دیگر از دولت های عراق و ایران می طلبد که فراهان دبیر کل سازمان ملل متحد و رئیس جنبش غیر متعهد ها را بپذیرند و به جنگ پایان دهند. جنگی که در هر دو کشور مرگ و ویرانی به همراه می آورد و تنها بسود نبردهای امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع می باشد.

ما از همه سازمانهای وابسته به خود و از همه مردمان صلحدست دعوت می کنیم تمام نیرو و نفوذ خود را مورد استفاده قرار دهند و کمک کنند تا خورشیدی و ویژنیکی در عراق و ایران بدون هر گونه اشغال سرزمین ها از سوی هر یک از طرفین درگیر و بارهائیت استقلال ملی مرد و کشور

بیکار مستمر در راه وحدت عمل کلیه مبارزان راه استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی یک وظیفه انقلابی است!

## حجتیه چیست و حجتیه گرایان کیانند؟

حزب توده ایران در برداشتن نقاب از چهره سازمان پلیسی و ضد مردمی حجتیه و افشای دامنه فعالیت های آن پیشکام بوده است. با تحکیم سلطه ارتجاع بر میهن ما، این سازمان منظور که تار و پود شبکه جهانی آن در سراپای حاکمیت تنیده شده است اهمیت بیشتری از پیش یافته است. با وجود این در میان ترقیخواهان و دمکرات های میهن ما هنوز بسیاری کسانی که نظر حزب ما را در مورد نقش حجتیه و حامیان و پیروانش در حاکمیت میالغه آمیز می دانند. از این رو و نگاهی به ریشه های تاریخی پیدایش حجتیه و دامنه فعالیت کنونی آن سودمند بنظر می آید.

تکوان عظیمی که جنبش ملی اذربایجان و کردستان (۲۵ - ۱۳۳۶) و سپس جنبش ملی کردن نفت (۳۲ - ۱۳۳۸) به جامعه ایران داد و نقش رهبری کننده حزب توده ایران در این جنبش ها ارتجاع ایران را به وحشت مرگ دچار کرد. نیروهای ارتجاعی برای حفظ موقعیت و منافع خود بیش از پیش به افکوش امپریالیسم جهانی کشیده شدند. در همین حال این زلزله های سیاسی دو پایگاه اصلی واپسگرایی ایران، دربار و روحانیت ارتجاعی را که در دوران رضاخان چندان میانه ای با هم نداشتند به هم نزدیک ساخت. در جریان جنبش ملی کردن نفت آیت الله بهبهانی و فلسفی راعظ، از فعالترین تعزیه گردانان دربار بودند. آیت الله پروچردی در توافق با محمد رضا شاه آرامش را در حوزه های علمیه برقرار کرده بود. و آیت الله کاشانی که خود یکی از رهبران جنبش محسوب می شد، در جریان گسترش و تعمیق آن، با دربار سازش کرد و بایبمودن راه خیانت ضربه ای کاری به جنبش وارد آورد.

پس از کودتای ۲۸ مرداد دامنه همکاری های دربار و روحانیت ارتجاعی گسترش یافت. ناصر مکارم شیرازی مدرس کنونی حوزه علمیه قم بزودی کتاب "فیلسوف شما" یعنی نخستین کتاب ضد کمونیستی و ضد توده ای در ایران را نوشت. این کتاب جایزه سلطنتی دریافت کرد.

سازمانهای جاسوسی امپریالیستی تجربه ای طولانی در فرقه سازی مذهبی و بهره برداری از اختلافات فرقه مذهبی در جهت تفرقه افکنی در جنبش های ملی - دمکراتیک و نیز تشکیل شبکه های جاسوسی در اعماق جوامع پهاخته دارند. این تجربه، یکبار دیگر در ایران نیز بکار گرفته شد. ژنرال باتمانقلیچ امیر فرمانداری نظامی تهران به فتوای آیت الله کاشانی، در معیت خبرنگاران و عکاسان کلنگ بدست کلبه بارگاه بهائیان در تهران را تخریب کرد و این جریان مبدایی شد برای همکاری دربار و ساواک و روحانیت ارتجاعی در مبارزه با بهائیان که به پیدایش سازمان حجتیه انجامید. از آنجائیکه بسیاری از بهائیان فنیفره پست های کلیدی اجرایی و امنیتی را در اختیار داشتند. از همان آغاز روشن بود که این جنگ زرگری تنها برای به

انحراف کشیدن مبارزه و گسترش شبکه های جاسوسی سازمان امنیت و سیا در مساجد و محلات و بازارها و دانشگاهها براه افتاده است. در تمام دوران حیات حجتیه کلیه فعالیت های آن زیر نظر ساواک هدایت می شد. شیخ حلبی رهبر حجتیه رسماً به فعالین آن دستور داده بود که برای رفع هر مشکلی به ساواک مراجعه کنند. یکی از وظایف اصلی حجتیه شناسایی فعالین جنبش ملی و دمکراتیک و معرفی آنان به ساواک بود.

حجتیه بطور رسمی طرفدار "سیاست زدایی" مذهب، عدم دخالت مذهبیبون در امور سیاسی و در عین حال مبارزه با بهائیکری، و ترویج "شرع انور" بود. اما حجتیه ای ها در عمل در برابر نیروهای دمکراتیک و پیروان سوسیالیسم علمی سیاست گرایان دو آتشه ای از آب در می آمدند. آنان اردوگاه سوسیالیسم را به علت داشتن ایدئولوژی مارکسیسم - لنینیسم دشمن بشریت معرفی می کردند. و در عین حال کمترین اعتراض اصولی به امپریالیسم جهانی و نقش مخرب آن در جامعه ما نداشتند. به رشد سرمایه داری وابسته در ایران بیدیده تحسین می نگریستند. این سازمان جهانی تمام توان ایدئولوژیک و دانش دینی خود را بکار می گرفت تا با نظام سرمایه داری وابسته به امپریالیسم در تعارض قرار نگیرد. حجتیه ای ها، مسلمانان انقلابی و مبارز را با اتهام کفر و بی دینی مورد تهاجم ایدئولوژیک و سیاسی و پلیسی قرار می دادند. مذهبیبون نا آگاه را علیه دکتر شریعتی و پیروانش به اتهام "وهابیکری" م علیه مجاهدین خلق به اتهام "مارکسیسم اسلامی" تحریک و بسیج می کردند. در عین حال آنان را به اطاعت از "سلطان شیعه" فرا می خواندند.

برای شناخت سازمان حجتیه، شناخت پایگاه طبقاتی و اجتماعی آن اهمیت بسیار دارد. بودجه شبکه های عظیم سازمان حجتیه که ده ها موسسه مذهبی و مطبوعاتی و مدرسه و بنگاه خیریه را زیر پوشش فعالیت های خود داشت از کجا تامین می شد؟ مطابق اسنادی که پس از انقلاب منتشر شد، علاوه بر آیت الله خوبی که مرجع رسمی سازمان محسوب می شده اکثریت مراجع تقلید ایران اجازه استفاده از سهم امام را به این سازمان داده بودند. تنها آیت الله خلیلی این اجازه را در سال ۱۳۳۸ پس گرفت (اعلامیه قطع فعالیت حجتیه - کیهان ۱۱ مرداد ۶۲). بخش اعظم این بودجه (سهم امام) چنانکه روشن است از سوی بازاریان بزرگ و زمینداران در اختیار آیات عظام قرار می گرفت. از آن گذشته بازاریان توانگر خود مستقیماً به شبکه های حجتیه کمک مالی می کردند و همه در پرداخت خمس و ذکات توجه خاصی به روحانیون مدافع حجتیه داشتند. در زمان شاه آیت الله خوبی و پس از او آیت الله شریعتمداری بیشترین سهم امام را دریافت می کردند. همچنین آیت الله باقر خوانساری امام مسجد حاج عزیز الله در قلب بازار تهران و

نماینده آیت الله خوبی بخش اصلی پرداختی های بازار تهران را دریافت می کرد.

بسیاری از روحانیون که امروز نفوذ فراوانی در ج.ا. دارند از رهبران و فعالین حجتیه محسوب می شده اند. شیخ خزعلی عضو شورای نگهبان و سبزواری، دبیر روحانیت مبارز تهران از این جمله بوده اند. بسیاری نیز بدون آنکه رسماً عضو سازمان حجتیه باشند، از حامیان و مجریان اصلی سیاست های آن محسوب شده اند. برای نمونه شیخ یزدی معاون کنونی مجلس، آیت الله مکارم شیرازی و آیت الله آذری قمی مدرسین عالیترتبه حوزه علمیه از این جمله بوده اند. طیف حجتیه گرایان با نفوذ از همان ابتدا بسیار وسیعتر از هسته سازمان یافته آن بوده است.

بدین ترتیب روشن میشود که سازمان حجتیه، بطور عمده متکی بر بخشی از بازاریان و زمینداران و روحانیون وابسته به دربار که در حفظ نظام سرمایه داری وابسته به امپریالیسم فنیفره بودند اداره می شد. بسیاری از متمسبین و قشریون مذهبی نیز، اگر چه خود را مخالف امپریالیسم و استبداد می دانستند، به دلیل نداشتن آگاهی سیاسی و به ساقه تصببات مذهبی، عملاً در درون و حول این سازمان مورد سوء استفاده قرار می گرفتند.

پس از انقلاب دامنه فعالیت سازمان حجتیه سرعت گسترش یافت. اعضا و هواداران آن به کمک امرم های تشکیلاتی در حاسن ترین پست های کلیدی و بویژه امنیتی مستقر شدند و از جمله بخش مهمی از سوابق حجتیه در ارشیوهای ساواک را از بین بردند. پشتیبانی روحانیون حجتیه گرا کمک فراوانی به گسترش نفوذ این سازمان کرد.

در جریان ژرفش انقلاب، بخش فزاینده ای از روحانیون که در هراس گسترش جنبش خلق از آن روی بر می تافتند، به ائتلاف سیاسی با حجتیه و حجتیه گرایان پرداختند. مهدوی کلنی، در اس روحانیت مبارز تهران، سرشناس ترین آنان بود. منافع مشترک صنف روحانیت وابسته به کلان سرمایه داران بازار و زمین داران بزرگ، در برابر پیروان سوسیالیسم علمی و نیروهای انقلابی و دمکراتیک، در تقویت زمینه همکاری و همکاری با حجتیه که پیش از انقلاب نیز وجود داشت - موثر می افتاد. در ادامه این روند پناهب قانونسندی های تعقیب مبارزه طبقاتی، گروهبندی هایی از روحانیت که مدافع راه سرمایه داری و مالکیت "مشروع" و نامحدود بودند اشتیاق بیشتری به گسترش همکاری مستقیم و غیر مستقیم با حجتیه نشان دادند.

در شرایط کنونی بویژه حمایت فعال خامنه ای، رئیس جمهور و ناطق نوری، وزیر کشور از حجتیه، دامنه نفوذ این سازمان "سیا" ساخته را گسترش بخشیده است. خامنه ای بسیاری از حجتیه ای ها را در دفتر خود گرد آورده است. دولتمردان و وکلاء و نظامیان حجتیه ای (پس از نوبه پرورش - پلیسی - منافعی - صیاد شیرازی - رهبری) از بلبله در صفحه ۸

## تلاش مذبوحانه رژیم در مقابله با جنبش ضد جنگ

در بهانه مشترک حزب و سازمان تاکید می شود که "جنگ به عنوان عمده ترین عامل تهدید استقلال و حاکمیت و تمامیت ارضی میهن پشمار می آید" زحمتکشان کشور ما این واقعیت را به تجربه دریافته اند. این روزها شاهد آن هستیم که جنبش ضد جنگ و ضد رژیم روهه اعتلا می رود و ندای صلح طلبی از هرسویی به گوش می رسد. تظاهرات توده ای به اشکال مختلف در تهران و شهرستان ها، به مقابله عالی ترین شکل حرکت اعتراضی مردم در حال اوچگیری و گسترش است. لطمه مهلک سکوت در برابر جنایات رژیم در هر گوشه کشور دهان باز می کند.

دامنه ناراضی های عمومی به حدی رسیده است که سردمداران رژیم "ولایت فقیه" دچار اضطراب بیشتر شده اند و با تشدید سیاست تهدید و ارباب و ترور و خفقان و به کار گرفتن انواع حیل و ترفندها می کوشند تا فریاد مردم را در گلو بخنند.

پس از تظاهرات خونین و مولق زحمتکشان در کوی سیزده آبان، که منجر به کشته و زخمی شدن صدها نفر و دستگیری گروه زیادی از مردم و نیروهای مترقی، از جمله توده ای ها شد، با اشاره سران رژیم، گروههای فشار، چاقوکاران و چاقوکشان حرفه ای در تهران براه افتادند و وحشیانه ترین شکلی به سرکوب مردم پرداختند. رژیم برای لوذ کردن اصل قضیه و ایجاد انحراف در افکار عمومی، فیر پوشش "مبارزه" با "بی حجابی"، "لشعنا"، "منکرات"، "پوشیدن لباسهای نامناسب"، "پانک"، "دارندگان بوتیک" و از این دست اراجیف من در آوردی، به مزدوران خود ماموریت داد که به زنان و دختران بی دفاع حمله کنند و جامه بر نشان بدرند، مردم عادی را به بهانه های واهی کتک بزنند، به مطب برخی از پزشکان هجوم بیاورند، شیشه های مغازه ها را بشکنند، موی سر بسیاری از جوانان را در معا بر عمومی به زور بتراشند، فحاشی، توهین و کتک و ناسزا را به حد اعلاى خود رسانده و بدینسان از مردم زهر چشم بگیرند. بدین ترتیب دیگر بار رژیم "ولایت فقیه" با مردم صلح طلب و آزادی خواه، اعلام جنگ کرد. بنابه اعتراف سرپرست کمیته ما طی دو روز حدود ۵۰۰ نفر به این جرمها دستگیر شدند.

وحشیگری و سهیبت مزدوران رژیم بحدی بود که حتی سروصدای نویسنده اطلاعات هم درآمد و در اعتراض به حرکت های وحشیانه نیروهای سرکوبگر، مقامات مسلول مملکتی را مورد اعتراض قرار داد که "به چه دلیل تا کنون اقدامی جدی علیه این حرکت ها که در بعضی از مناطق تهران به خشونت نیز گراشیده است، معمول نمی کنند.

توطئه رژیم زمانی آشکار تر شد که خامنه ای، رئیس جمهور، ضمن اعتراف تلویحی به سازمان یافتن این حرکات از جانب حاکمیت، از مزدوران خواست که "از امروز دیگر بایست

این تظاهرات انجام نگیرد". وی تاکید کرد که "این دیگر از حالا پس است و از امروز دیگر این کارها انجام نگیرد و این چند روزی که بود کافی است".

خامنه ای که در مقابل فشار افکار عمومی در اعتراض به وحشیگری های نیروهای "حزب الهی" بشدت متعاضل شده بود، کوشید تا هرنوع اعمال خشونت از جانب گروههای فشار را به "تفویض ها" و "آدمهای بدخواه" نسبت بدهد و در عین حال از این تهدید توخالی فروگذار نکرد که اگر چنانچه نیروهای انقلابی بخواهند "سو استفاده سیاسی بکنند و در خیابان ها دست به شیطنت بزنند، اینجا حزب الله خواهد آمد و ...". در واقع روی سخن خامنه ای با مردمی بود که در دوران حاکمیت رژیم "ولایت فقیه" انواع و اقسام خسارت های جانی و مالی را متحمل شده اند و حال می بخواهند با همه توان خود این رژیم ضد مردمی را سرنگون سازند.

آن روی سکه سیاست رژیم به راه انداختن "تظاهرات دانشجویی" بود، گروهی از وابستگان رژیم در دانشگاهها و مدارس عالی و دیگر عوامل و سیاهی لشکرها از مدخل دانشگاه تهران به ست مجلس به راه افتادند و با دادن شعار "جنگ،

### تظاهرات ضد جنگ در سوئد



کمیونست کارگری سوئد با زتاب یافت. تلویزیون سوئد نیز از جریان نایش ضد جنگ فیلمبرداری کرد.



صحنه ای از تظاهرات ضد جنگ در آلمان غربی که در آن بیش از هزارتن از اعضا و هواداران حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) شرکت داشتند

روز ۲۱ آوریل تظاهرات بزرگی در اعتراض به ادامه جنگ ایران و عراق از سوی "کمیته سوئدی علیه جنگ ایران و عراق" در شهر استکهلم برگزار شد. در این تظاهرات شخصیت های برجسته سوئدی از جمله اینکا استام فلد، عضو کمیته مرکزی "حزب چپ کمونیست ها" و اسوالد سودکوئیست، نماینده مجلس سوئد، شرکت کردند.

شرکت کنندگان در تظاهرات طی قطعنامه ای علاوه بر قطع بیدرتک جنگ ایران و عراق، همچنین خواستار آزادی زندانیان سیاسی ایران شدند. قطعنامه تظاهرات با پشتیبانی پرشور بیش از ۴۵ حزب و سازمان مترقی سوئد یا سازمانهای هوادار احزاب برادر در سوئد روبرو گردید.

خبر برگزاری این تظاهرات در پرتیراژ ترین روزنامه سوئد، داگنس نی هتر و روزنامه فلامان، ارگان حزب

## حزب توده ایران

### پرچمدار رهایی زنان جامعه ماست

زمانی که پژواک شعار برابری حقوق زنان و مردان در گوشه‌ها فرییب می‌نمود، حزب توده ایران با تلاشی خستگی‌ناپذیر و برنامه‌ای علمی در جهت تحقق این شعار همت گمارد. حزب توده ایران در طول تاریخ معاصر میهن ما، نخستین پرچمدار رهایی زنان از قید ستم مضاعف و احمیای حقوق واقعی آنان بوده است.

در سرانجام حزب توده ایران که همزمان با تأسیس حزب در سال ۱۳۲۰ منتشر شده به این حقوق چنین اشاره شده است:

"کوشش در توسعه حقوق اجتماعی و برقراری حقوق زنان، حق انتخاب شدن و انتخاب کردن در مجلس مقننه و انجمن‌های ایالتی و ولایتی، بهبود اوضاع مادی و تأمین استقلال اقتصادی زنان، تأسیس و افزایش موسسات حمایت مادران و کودکان بی بضاعت، تساوی حقوق زوجین و تجدید نظر در قوانین زناشویی و طلاق، و در مورد کارگران علاوه بر موارد فوق، تساوی دستمزد کارگران زن و مرد و استفاده زنان کارگر و مستخدم از مرخصی با دریافت حقوق".

حزب توده ایران بدون هراس از اغل و زنجیر و شکنجه و زندان محدرضا شاهی، پیگیرانه در جهت احقاق حقوق انسانی و قانونی زنان زحمتکش میهنمان تلاش ورزید. پس از پیروزی انقلاب شکوهمند بهمن ۵۷ نیز، حزب توده ایران هم چون گذشته از مواضع راه حل‌های اصولی خود در جهت رفع محرومیت‌های اجتماعی و خانوادگی زنان وطنمان، دفاع کرد و در جهت اعتلای مقام زن و شناساندن آنان به عنوان اعضای برابر حقوق با مردان، لحظه‌ای دریغ نوزید.

حزب توده ایران همواره معتقد بوده است که در همه عرصه‌های جامعه و در واحد کوچک خانواده بایستی از زنان رفع تبعیض شود.

قبل از هر چیز باید حقوق اقتصادی زنان را شناخت، باید از عاقل بودن زنان جلوگیری کرد، آنان را به عرصه تولید اجتماعی کشاند و استقلال اقتصادی آنان را که نخستین گام در راه رهایی زنان است تأمین کرد، با شرکت فعال زنان در حیات اقتصادی کشور از میلیونها بازوی کار در جهت پیشرفت جامعه بهره جست. اکثر فریب به اطلاق زنان جامعه ما یا به پدر و خانواده پدری و یا پس از ازدواج، از نظر اقتصادی به شوهر متکی‌اند و مرکز ثقل خانواده زندگی مستقل را در جامعه برگزینند و در نتیجه همین امر است که پس از طلاق و جدایی زن و مرد، عدم استقلال اقتصادی زنان، آنان را به تالاب فساد و ناپودی می‌کشاند. باید به زنان سوادآموزخت و تخصص یاد داد. باید در تولید اجتماعی زنان در برابر کار مساوی، مزد و حقوق مساوی دریافت کنند. برای مشارکت زنان در فعالیت‌های جامعه وجود نهادهایی به منظور هماهنگی وظایف مادری و وظایف اجتماعی زنان بقیه در صفحه ۷

## نهضت ملی خلق کردو

بقیه در صفحه ۱  
بر تأمین منافع آزمندان بزرگ مالکان و کلان سرمایه‌داران و انحصارات امپریالیستی و ادامه جنگ خانمان برانداز با ناراضی‌ت‌ی و خشم همه زحمتکشان ایران مواجه است، زمینده عینی سرنوشتی آن و رهایی همه خلقهای کشور از آن جمله خلق ستم‌دیده کرد از قید ستم ملی و اجتماعی فراهم است.

در چنین شرایط مساعد عینی، نقطه ضعف جنبش انقلابی ایران فقدان وحدت نظر و عمل میان نیروهای ملی و مترقی، حول یک برنامه مشترک است. ضلعی که پی آمد منفی آن دامنگیر پیکار همه خلقهای کشور از آن جمله خلق کرد می‌شود. واقعیتی که حزب دمکرات کردستان نیز به آن نظر دارد و ضمن اشاره به فقدان پایگاه مردمی حاکمیت جمهوری اسلامی در سرتاسر کشور و عدم توانایی و قابلیت آن در حل مشکلات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی تأکید می‌کند که "اگر خمینی و رژیمش همچنان بر سر کار نمانند بعثت نیرومندی و تثبیت جمهوری اسلامی بلکه از ضعف و پراکندگی و بالاخره بی برنامه‌ی نیروهای اپوزیسیون دمکراتیک آست.

با تاسف بسیار می‌بینیم که نیروهای دمکراتیک ایران در موقعیتی که مبارزه علیه رژیم جمهوری اسلامی لزوم کرده‌امی هر چه بیشتر احزاب و سازمانهای مترقی را می‌طلبند هیچکدام از سازمانها تحمل وجود دیگری را ندارد و بجای اینکه همه نیروهای خود را علیه دشمن مشترک بکار برند، سرگرم جدال‌ها و مناقشه‌های لفظی و خرده حسابهای خصوصی و حل اختلافات و تضادهای درونی خویش هستند که اینها هیچکدام در جنبش آزادی طلبانه مردم ایران مسائل اساسی شمرده نمی‌شوند.

آن نیروهایی هم که در محدوده شورای ملی مقاومت باهم همکاری دارند، در واقع برنامه مشترک روشنی برای مبارزه عملی در راه سرنوشتی رژیم خمینی برای خود تنظیم نکرده‌اند (کوردستان، ارگان کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران، شماره ۱۰۲).

ارگان حزب دمکرات کردستان با تصریح این واقعیت که پیروزی خلق کرد در پیکار پراچ ملی‌اش مشروط به وحدت همه نیروهای اپوزیسیون مترقی در یک جبهه واحد و مبارزه متحد علیه ارتجاع است تأکید می‌کند "ضروری است که اختلافات درجه دو کنار گذاشته شوند و سعی بعمل آید که بر سر یک برنامه مشترک به منظور سرنوشتی رژیم خمینی و بر سر کار آمدن یک رژیم دمکراتیک" توافق شود.

حزب توده ایران نیز همواره بر این واقعیت تأکید کرده که تفرقه میان نیروهای مدافع آزادی و استقلال و رهایی خلقها از قید ستم اجتماعی و ملی، ناگزیر به عدم تأمین یکپارچگی در صلوح

زحمتکشان و ناکام ماندن مبارزه آنان علیه ارتجاع و امپریالیسم منجر خواهد شد. به گواه تجربیات عدیده، همه نهضت‌هایی که در آن‌ها وحدت میان سازمان‌های مترقی تحقق نیافتد، به ثمر ننشسته‌اند. بر عکس هر نهضتی که دچار تفرقه در میان احزاب و نیروهای ملی و دمکراتیک شده، ناگزیر به سرنوشت غم‌انگیز ناکامی گرفتار آمده است.

با در نظر گرفتن این واقعیت انکارناپذیر است که در پیانیه مشترک کمیته مرکزی حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ضمن تأکید بر اهمیت تشکیل "جبهه واحد از کلیه نیروهای ملی و مترقی" گفته می‌شود: "ما معتقدیم علیرغم تمام دشواری‌ها، اختلاف نظرها و مشکلاتی که در راه چنین جبهه‌ای وجود دارد، باید با تمام قوا برای ایجاد آن کوشید. اختلافات موجود نباید مانع همکاری در لحظات حساس و سرنوشت ساز کنونی باشد... در مرحله کنونی منطقی باید به آنچه ما را متحد می‌کند تکیه کرد و از آنچه که موجب تفرقه است، پرهیز جست. مسئله مهم پیدا کردن یک شالوده دمکراتیک است که به تحکیم پیوندها میان نیروهای ملی و مترقی یاری رساند و زمینه را برای برانداختن رژیم فراهم آورد، نه آن که موجب جدایی آن گردد. چنین شالوده‌ای عبارت است از طرح برنامه همه جانبه با مضمون ملی و دمکراتیک که می‌تواند، نه جنبه گذرا، بلکه دراز مدت داشته باشد."

در پیانیه مشترک، برنامه پیشنهادی برای ایجاد جبهه متحد خلق اعلام شده است. طبق این برنامه:

"شناسایی حق کامل خلقهای ایران در تعیین سرنوشت خویش،  
شناسایی حق خودمختاری خلقهای ساکن ایران، برخورداری از کلیه حقوق ملی، اجتماعی و فرهنگی خود،  
- پایان دادن فوری به جنگ برادر کشی در کردستان و جبران خسارات وارده به خلق ستم‌دیده کرد."

جزء اهم خواست‌های حزب ما و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) قلمداد شده است.

تلاش در راه تأمین وحدت سازمانهای ملی و دمکراتیک به عنوان یگانه ضامن پیروزی و مبارزه خلقهای کشور علیه ارتجاع، به منظور برانداختن آن وظیفه همه نیروهای مترقی است. حزب ما که در راه دستیابی به این هدف مهم تلاش می‌کند دیگر نیروها از جمله حزب دمکرات کردستان را فرامی‌خواند تا در جامه عمل پوشاندن بر این وظیفه خطیر به تشریح مساعی بپردازند. وحدت نیروها ضرورت مبرم پیکار خلقها علیه ارتجاع حاکم و ضامن پیروزی است.

به سرکوب خلق کرد باید پایان داده شود!

**"حزب توده ایران" ...**

بقیه از صفحه ۶  
 ضروری است، به این منظور شبکه شیرخوارگاهها، کودکانها، مدارس، غذاخوری ها و ... اهمیت دارد. باید به مادران شاغل مرخصی های دراز مدت قبل و بعد از زایمان با حقوق و دستمزد داده شود، باید بیمه و تامین اجتماعی برای زنان فراهم شود.

حزب توده ایران، تامین حقوق سیاسی زنان را کام مهمی در راه شناسایی حقوق برابر زن و مرد در جامعه دانسته است. زنان بایستی در تمام سطوح اداری و اجتماعی، در فعالیت ها و تصمیم گیری های اداره امور کشور، از شورای ده تا شورای جمهوری همراه با مردان شرکت کنند، انتخاب کنند و انتخاب شوند.

از دیگر حقوقی که حزب توده ایران همواره به آن توجه جدی داشته و همواره از آن دفاع کرده است، شناختن حقوق همسری و مادری زنان در جامعه و خانواده است.

حزب توده ایران همواره تاکید کرده است که قانون مدنی رضا خانی که مبنای قضاوت در دادگاههای مدنی خاص در حاکمیت ج.ا. قرار گرفته است بایستی بدورانداخته شود و نیز قوانین گذشته در رابطه با حقوق خانواده، قانون مدنی، قانون حمایت خانواده و برخی مواد قانون مجازات عمومی که همگی ظالمانه اند باید لغو گردد و قانون جدیدی تدوین گردد که در آن این مواد رعایت شود:

- مبنای خانواده بر بنیان عشق و احترام متقابل و برابری حقوق زن و مرد باشد، نه سلطه یکی بر دیگری.

- حق ولایت فرزند بطور برابر به مادر و پدر واگذار شود.

- پس از وقوع طلاق، احراز حق صلاحیت سرپرستی فرزند توسط دادگاه صالحه تعیین گردد.

- تک همسری مبنای خانواده قرار گیرد و تعدد زوجات و متعه ممنوع گردد.

- دختر به محض رسیدن به سن قانونی، آزادی انتخاب همسر داشته باشد.

- زنان آزادی برای انتخاب کار و شغل داشته باشند.

- اعدام زنان به جرم فساد و فحشاء ممنوع اعلام شود، زیرا باید با علت مبارزه کردن به با معلول.

وامداران چنانچه پیشه ج.ا. نه تنها برنامه ای شایسته آماج های بزرگ انقلاب بهمن ۵۷ تدوین نکردند تا زنجیرهای بردگی و اسارت قرون متمادی گذشته را بکسند بلکه کوچکترین توجهی نسبت به پیشنهادات و برنامه های نیروهای انقلابی بویژه حزب توده ایران نکردند. شکست امروزین رژیم "ولایت فقیه" و وضعیت مشقت بار زندگانی کنونی زنان میهن ما، صحت ارزیابی ها و نظریات حزب توده ایران راهم چون گذشته بنبوت خواهد رساند.

**بازهم درباره  
حداقل دستمزد روزانه کارگران**

بقیه از صفحه ۱

فرزند را تامین کند. رژیم از یکسو با تعیین مبلغ ۱۱۰ تومان بعنوان حداقل دستمزد کارگران متاهل در حقیقت بر وجود حداقل هزینه زندگی در مرز ۱۱۰ تومان صحنه گلازده است، مبلغی که اگر چه واقعیت را نشان نمی دهد ولی بهرحال بیش از رقمی است که بعنوان حداقل دستمزد تعیین شده است. از سوی دیگر با تعیین مبلغ ۷۲۰ ریال بعنوان حداقل دستمزد دست سرمایه داران را برای استثمار کارگران، بویژه کارگران غیر متاهل بازتر گذارده است.

حال ببینیم اعضای شورای عالی کار که باید نام آنها شورای عالی سرمایه گذاشت، چه هدفهایی را در سر می پروراند.

اولین حاصل تصمیم جدید شورای عالی کار افزایش سیل اخراج کارگران متاهل و جایگزینی آنها بوسیله نیروی جوان غیر متاهل با حداقل دستمزد رسمی ۷۲۰ ریال خواهد بود. زیرا برای سرمایه داران استخدام کارگر جوانتر با حقوق ۷۲۰ ریال با صرفه تر است، کارفرمایان و سرمایه داران فقط با افزایش میزان سود خود که از استثمار کارگران بدست می آید، می اندیشند.

کارگران متاهلی که طبق تصمیم جدید شورای عالی کار بطور غیر رسمی حداقل دستمزد ۱۱۰ تومانی را دریافت می کنند، در عمل هنگام محاسبه اضافه کاری، بازنشستگی و طبقه بندی مشاغل معیار محاسبه و پرداخت به آنان همان مبلغ ۷۲۰ ریال، نرخ رسمی حداقل دستمزد خواهد بود.

بعبارت دیگر برای این گروه هنگام پرداخت حق بیمه و مالیات، معیار ۱۱۰ تومان است و موقع پرداخت حق اضافه کاری و یا حقوق بازنشستگی، طبقه بندی مشاغل، سابقه کار معیار محاسبه ۷۲۰ ریال خواهد بود. اینهم کلاه دیگری است که رژیم کارگر ستیز ولایت فقیه می کوشد سر کارگران بگذارد.

اما ضایع کردن حق کارگران زحمتکش میهن ما تنها با ارائه "شاه" کار فوق پایان نپذیرفته است. مدافعان سرمایه که همیشه "دست بگیر دارند و نه بده"، "شاه" کار فوق را با "شاه" طرح دیگری درباره حق سنوات کارگران تکمیل کرده اند.

حق سنوات کارگران که طی سالهای پس از انقلاب روی مبلغ صد ریال (۶۰۴۰) تثبیت شده بود، بهمره تشدید جو اختناق و سرکوب نیروهای مترقی شناور شد و رژیم کوشید هرکجا زورش چربید آنرا کاهش دهد. در اواخر سال ۶۲ و سال ۶۳ رژیم کوشید تا مبلغ ۴۰ ریال را تثبیت کند و از مبلغ ۶۰ ریال بعنوان حربه ای برای تشدید

استثمار و عامل تفرقه میان کارگران استفاده کند. بهمین جهت شرط پرداخت آنرا رضایت کارفرمایان و سرمایه داران از کارگران قرار داد.

امسال چون عمال سرمایه داران در شورای عالی کار ابزار دیگری را برای تفرقه اندازی در میان کارگران بکار گرفته اند، نیازی هم به استفاده از مبلغ ۶۰ ریال فوق الذکر نیافتند بنابراین آنرا بشرح زیر حذف کردند.

"در سال ۱۳۶۶ بابت حق سنوات (پایه) در کارگاههایی که فاقد طرح طبقه بندی مشاغل می باشند (اکثریت واحدهای تولیدی و خدماتی از این نوع هستند) مبلغ ۴۰ ریال و در کارگاههایی که طرح طبقه بندی مشاغل تهیه شده است، همان مبلغ ریالی پایه پیش بینی شده در طرح قابل پرداخت می باشد" (کیهان ۱/۱۷/۶۲).

باین ترتیب علاوه بر آنکه حداقل دستمزد کارگران دوزخی شده است، حق سنوات آنها نیز ضمن کاهش دوزخی گردیده است. همانطور که قبلاً ذکر شد، هدف اصلی از اتخاذ این تصمیمات در شورای عالی کار، جدایی افکندن در صف متحد کارگران و ایجاد تفرقه در میان آنانست. کارگران ایران اکنون سالهاست که سیاست تفرقه بیافکن و حکومت کن را در حرف و عمل رژیم جمهوری اسلامی شناخته اند.

رژیم کارگر ستیز ولایت فقیه ظاهراً پس از سرکوب تشکل های مستقل کارگری و دستگیری و شکنجه و اعدام نمایندگان واقعی کارگران، زمینه را برای یک تازی آماده دیده است. اما اخبار رسیده از واحدهای کار نشان می دهد که کارگران مبارز ایران زیر بار این حيله های کثیف نرفته اند. بدیهی است که کارگران بویژه کارگران واحدهای بزرگ بخش صنایع و خدمات به مضمون واقعی این تصمیمات ضد کارگری که در پشت درهای بسته وزارت کار گرفته می شوند، پی برده و با گسترش مبارزات متحد و اعتصابات فراگیر خود به طراحان این "شاه" کارها پاسخ شایسته ای خواهند داد.

ما در شماره ۴۶ "نامه مردم" متذکر شدیم که اکنون خواست افزایش واقعی دستمزد متناسب با افزایش تورم به امر مشترک مبارزه تمام زحمتکشان ایران تبدیل شده است. کارگران همه جا بر مبلغ ۲۰۰ تومان به عنوان حداقل دستمزد روزانه اشاره و تاکید می کنند. کارگران برای دستیابی به این خواست برحق خود، راهی جز ایجاد و تقویت تشکل های علنی و مستقل کارگری ندارند. پیشبرد امر مبارزه در راه خواست افزایش دستمزد متناسب با میزان تورم موجود، در گرو مبارزه سازمان یافته و متحد کارگران است.

کارگران میهن ما باید بیکار برای سرنگونی رژیم بعنوان یکانه راه رهایی از قید ستم اجتماعی را هر چه بیشتر تشدید کنند.

**درد برزندانان سیاسی و رزمندگان راه آزادی زحمتکشان ایران!**

## آشتی رسمی ریگان با فاشیسم

دیدار رونالد ریگان رئیس جمهور آمریکا از آلمان غربی که روز اول ماه مه آغاز شد، در پنجم ماه مه با ادای احترام به گور فاشیست های هیتلری در قبرستان شهرک پیتهبورگ، در اوج یک اقتضاح سیاسی به پایان رسید.

در این گورستان علاوه بر افسران ارتش هیتلری، ۴۹ تن از اعضای گروه حمله اس - اس نیز که به جنایتکاری، خونخواری و سنگدلی نسبت به اسیران جنگی و اهالی غیر نظامی و از جمله زنان و کودکان شهرت ننگینی دارند، به خاک سپرده شده اند. بویژه باید یاد آور شد که هزاران سرباز آمریکایی در پایان جنگ دوم جهانی بدست همین اعضای اس - اس قتل عام گردیدند.

بدین جهت، گنجانبیده شدن دیدار از این گورستان در برنامه سفر ریگان، آنهم در آستانه برگزاری مراسم چهلمین سال پیروزی بر ارتش فاشیستی هیتلر، موجب بهت و حیرت همه نیروهای مترقی و صلحدوست و ضد فاشیست در سراسر جهان و از جمله در ایالات متحده آمریکا شد. اما موج اعتراضات وسیع در همه کشورهای که مورد تاخت و تاز جنایتکاران هیتلری قرار گرفته بودند و حتی موضعگیری منفی محافل اجتماعی در آمریکا مانع از آن نشد که رونالد ریگان برنامه "آشتی" خود را عملی کند و چنین توهم بزرگی را نسبت به خاطره میلیونها انسانی روا دارد که در پیکار علیه طاعون قهوه ای جان خویش را نایه گذاشتند.

اما دیدار از گورستان شهرک پیتهبورگ بمنظور عملی کردن آشتی با فاشیسم، برای کسانی که طی چهار سال گذشته اقدامات دولت ایالات متحده را در پهنه جهانی دنبال می کنند چندان غیر منتظره نبود. جنایاتی که دولت کنونی آمریکا علیه گرنادا انجام داد و تهدیدهای مستمر و وقیحانه اش علیه نیکاراگوئه، پشتیبانی او از جنایاتی که در جمهوری آفریقای جنوبی علیه صاحبان اصلی آن سرزمین صورت می گیرد، شرکت مستقیم در جنایت کاری های اسرائیل علیه خلق عرب فلسطین، مردم لبنان و دیگر

## تظاهرات ضد جنگ در اسپانیا

کارزار اعتراض علیه ادامه جنگ امپریالیسم برافروخته ایران و عراق، پایه پای مبارزه گسترده صلح خواهانه احزاب و سازمانهای مترقی و انقلابی ایران در داخل و خارج از کشور، همچنین در سراسر جهان اوج تازه ای می گیرد. اخیرا اعضا و هواداران حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، با همکاری "اتحادیه دانشجویان عراقی" در مادرید، پایتخت اسپانیا، تظاهرات با شکوهی بر پا کردند.

در جریان این تظاهرات که لوئیز سالیناس، نماینده کمیته دفاع از زندانیان سیاسی ایران، و لویس دنیکن، عضو دفتر سیاسی کمیته مرکزی

خلقه های عرب، آموزش و اعزام آدمکشان حرفه ای به افغانستان و نه در جای آخر، تدارک فاجعه نابود کننده هسته ای و "جنگ ستارگان" و در معرض خطر قراردادن زندگی و تمدن بشری در روی زمین، همه و همه حاکی از قرابت خونی او با فاشیست های هیتلری است. از کوزه همان برون تراود که در اوست. از کسیکه به شیوه فاشیستی و با دروغسازي آشکار ادعا می کند که گرنادا و نیکاراگوئه امنیت کشورش را بخاطر انداخته اند و خائنانه به خاک آنها تجاوز می کند و یابه گرسنگی محکومشان می کند آیا می توان انتظار دیگری داشت؟

رونالد ریگان هم مانند هیتلر پای بند به میچ قانون و قاعده ای در زندگی بین المللی نیست و استفاده از هر وسیله ای را برای رسیدن به مقاصد شوم خود مجاز می داند. اعلام محاصره اقتصادی علیه نیکاراگوئه و نحوه توجیه آن در برابر شورای امنیت سازمان ملل متحد بهترین نمایانگر شیوه تفکر رونالد ریگان و همکاران نزدیک اوست. اما باید تاکید کرد که مجموعه این اعمال ناهنجار بهیچ وجه حاکی از توان و نیروی این بخش هار شده امپریالیسم آمریکا نیست. بر عکس، شکست های پیردیری سیاسی آنها را و می دارد که پیوسته تدابیر نسجیده تری اتخاذ کنند و موجبات رسوایی بازم بیشتر خود را فراهم آورند.

ریگان که به مصداق "کند هم جنس با هم جنس پرواز" دست در دست را میس، صهیونیسم و فاشیسم گذاشته است البته می تواند موقتا گرنادای کوچک را زیر چکمه خود له کند و یا گرسنگی را به مردم نیکاراگوئه تحمیل نماید، اما در سهای تاریخ را نباید فراموش کرد. هیتلر هم در آغاز کار ظاهرا موفقیت های کوچک و بزرگی داشت ولی چهلین سالگرد شکست عبرت آموزش که این روزها برگزار شد، هشدار است برای کسانی که در جای پای او گام بر می دارند. ریگان هم اگر به خود نیاید و به توطئه علیه خلقهای از بندرسته جهان ادامه دهد سرنوشت بهتری نخواهد داشت.

حزب کمونیست اسپانیا و مارکوس آنا، نماینده اسپانیا در شورای جهانی صلح نیز شرکت داشتند، هریک طی سخنانی ضمن محکوم کردن سیاست ادامه جنگ، همبستگی خود را با خلقهای ایران و عراق در مبارزه به خاطر پایان بخشیدن به جنگ ابراز کردند.

این تظاهرات از پشتیبانی وسیع احزاب و سازمانهای انقلابی و دوستدار صلح اسپانیا از جمله حزب کمونیست اسپانیا، حزب کمونیست کارگری اسپانیا، کمیسیون کارگری، کمیته ضدنازو، کمیته صلح و خلق سلاح، سازمان جوانان حزب کمونیست، برخوردار شد.

شایان ذکر است که خبر این تظاهرات در روزنامه پرتغالی "ال پائیس" به چاپ رسیده و از رادیوی مادرید پخش شده

## حجتیه چیست و حجتیه گرایان کیانند؟

بلیه از صفحه ۴

حمایت مستقیم او برخوردارند و بواسطه همین حمایت گروهی از آنان مناصب کلیدی را در حزب جمهوری اسلامی اشغال کرده اند. روشن است که همکاری نزدیکی بین گروه سیاستمداران بازاری (از جمله عسگر اولادی - توکلی - خاموشی - لاجوردی) و گروه آیت (وزاره ای - جاسبی) که از پیروان دکتر بلایی کرمانی دست نشانده آمریکا هستند و بخشی از منفلوترین فرماندهان سپاه پاسداران (گروه محسن رضایی) با سازمان حجتیه برقرار است.

حجتیه در سال ۶۴ ظاهرا فعالیت های خود را قطع کرد و در واقع به فعالیت مخفی پرداخت. با توجه به نفوذ گسترده طیف روسانیون و دولت مردان و سیاستمداران حجتیه ای و حجتیه گرا، فعالیت مخفی برای فعالین حجتیه از فعالیت علنی نیز آسان تر است. بویژه که از زمان هدول حاکمیت او آرمانهای انقلاب مشی سیاسی موزد نظر حجتیه به سطح سیاست دولتی ج.ا. ارتقاء یافته است، پدابه گفته اخیر هاشمی رفسنجانی، حجتیه ای ها دیگر "عیب آنجنانی" هم ندارند. (اطلاعات - ۲۰ مهر ۶۴). خمینی برای رهبر حجتیه پیام آشتی فرستاده است و فقهای دست نشانده وی در شورای نگهبان، پاسهان میراث ایدئولوژیک حجتیه اند. در این شرایط فعالین حجتیه همچون مامی در آب از راس تا پدنه هرم حاکمیت را در می نوردند و نقش خود را در خدمت سازمانهای جاسوسی امپریالیستی و در تحکیم و نوسازی نظام سرمایه داری وابسته به امپریالیسم ایفای می کنند.

بدلیل این ویژگی ها عملکرد سازمان حجتیه بسیار صیقل تر و پیر اهمیت تر از آن است که در نظر اول از یک سازمان سیاسی - پلیسی - که ظاهرا چندان هم گسترده بنظر نمی آید انتظار می رود. این نقش را باید شناخت و افشاء کرد. بویژه که امروز افشای حجتیه پیش از پیش با افشای ارتجاع حاکم مترادف شده است.



## کمکهای مالی رسیده:

۱۰۰ پوند	ر. دهر و ر. ص. از بریتانیا
۱۵۰ پوند	ر. بوشهری اولندن
۲۰ پوند	م. لرستانی
۵ دلار	ر. ص. آرمان از آمریکا
۱۰ دلار	ر. ص. آرمان از آمریکا
۵۰۰ دلار	م. د. د. ا.
۲۰ دلار	ح - کارگران نفت

NAMEH  
MARDOM  
No: 50

P.B. 49034  
10028 Stockholm 49  
Sweden

MAI, 16, 1985